

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض کردیم که مرحوم نائینی (قدس سره) فرموده‌اند: از میان این نسب اربعه، آن عناوینی داخل در محل نزاع اجتماع امر و نهی است که، نسبت بینشان، عام و خاص من وجه باشد و بقیه‌ی نسب اربعه را به طور کلی، از محل نزاع خارج است. اگر نسبت بین دو عنوان عام و خاص من وجه باشد، داخل در محل نزاع است و بعد برای همین عام و خاص من وجه هم، سه خصوصیت بیان فرموده‌اند.

نقد و بررسی کلام مرحوم نائینی (ره)

اشکال مرحوم امام (ره) بر شرط دوم مرحوم نائینی (ره)

امام (رضوان الله علیه) (مناهج الوصول، جلد 2، صفحه 127) با هر سه خصوصیتی که مرحوم نائینی (ره) بیان کرده، مخالفت کرده‌اند و در بیان مخالفتشان، از همان خصوصیت دوم، چون که منشأ برای خصوصیت اول هم هست، شروع کرده‌اند.

مرحوم نائینی (ره) در خصوصیت دوم فرموده‌اند که، محل نزاع در اجتماع امر و نهی در جایی است که، ترکیب بین این دو عنوان، ترکیب انضمامی باشد، یعنی این دو، منضم به یکدیگر شده باشند و یک چیز نباشند، بلکه به حسب واقع دو چیز و دو فعل باشند.

گرچه به حسب ظاهر یک فعل است، اما واقعاً دو فعل است که، با یکدیگر ترکیب شده و به یک فعل واحد حقیقی تبدیل نشده باشند. اگر ترکیب، ترکیب اتحادی باشد، یعنی یک فعل واحد حقیقی باشند، اینجا دیگر جای نزاع نیست و باید به امتناع اجتماع امر و نهی قائل شویم.

امام (رضوان الله علیه) در اشکال بر ایشان فرموده‌اند: مسئله‌ی انضمامی یا اتحادی بودن مربوط به عالم ترکیب خارجی است. در خارج اگر دو چیز با یکدیگر ترکیب پیدا کردند، معنا دارد که بگوییم: این ترکیب در عالم خارج آیا ترکیب انضمامی است یا اتحادی؟ موضوع برای انضمامی یا اتحادی بودن، ترکیب در ظرف و عالم خارج است، در حالی که نزاع در اجتماع امر و نهی، یک مرحله قبل از مرحله‌ی خارج است.

در اجتماع امر و نهی نزاع می‌کنیم که، آیا به جهت وجود دو عنوان، مولا می‌تواند، هم تکلیف وجودی و هم تحریمی را متوجه کند یا نه؟ به جهت وجود دو عنوان، دو حیثیت و دو جهت می‌خواهیم ببینیم، در مقام تکلیف، جعل، قانون‌گذاری و تشریع که، تمام

اینها یک مرتبه قبل از مرتبه‌ی مقام خارج و عمل در عالم خارج است و لذا گفتیم: حتی اشاعره هم که تکلیف به محال را جایز می‌دانند، در این نزاع داخل‌اند، چون یک مرحله قبل از آن هست، آیا مولا می‌تواند به دو اعتبار و جهت، هم تکلیف وجوبی و هم تکلیف تحریمی را متوجه کند؟

بنابراین اصلاً مسئله‌ی انضمامی یا اتحادی بودن، ربطی به بحث ما ندارد. انضمامی و اتحادی بودن مربوط به عالم ترکیب در خارج است. در حای که این نزاع ارتباطی به خارج ندارد.

دفاع استاد محترم از مرحوم نائینی(ره) در برابر این اشکال

این اشکال و مناقشه را امام(ره) فرموده‌اند و والد بزرگوار ما(ره) هم از ایشان تبعیت کرده و در اصولشان همین اشکال را بر مرحوم نائینی(ره) وارد کرده‌اند.

اما به ذهن می‌رسد که، در دفاع از مرحوم نائینی(ره)، می‌شود این بیان را ذکر کرد که، گرچه درست است که مسئله‌ی انضمامی یا اتحادی بودن، تحققش در عالم خارج است، در عالم خارج این دو فعل وقتی با یکدیگر ترکیب پیدا می‌کنند، ترکیبش، یا ترکیب انضمامی است یا اتحادی.

اما آیا قبل از آنکه در خارج تحقق پیدا کنند، مولا در مقام تکلیف، این جهت را نباید مورد توجه قرار دهد؟ مولایی که می‌خواهد دو عنوان را متعلق برای تکلیف قرار دهد، آیا نباید در مقام جعل و تکلیف، ملاحظه کند که این دو عنوان وقتی که می‌خواهند در عالم خارج موجود شوند، در قالب یک فعل است و ترکیب اتحادی دارد یا در قالب دو فعل است و ترکیب انضمامی دارد.

درست است که بحث در مرحله‌ی جعل و تشریع است، یا به تعبیر دیگر می‌گوییم: در مرحله‌ی اصل تکلیف است؛ شما مگر فرموده‌اید که: مولا باید متعلق را در مقام تکلیف در نظر گیرد، نمی‌شود مولا تکلیف کند بدون اینکه قبل از آن متعلق را در نظر گرفته باشد. نمی‌توانیم بگوئیم چون متعلق در عالم خارج موجود می‌شود، مولا هنوز آن را در نظر نگرفته است. پس اصل متعلق را مولا باید تصویراً در نظر گیرد.

چه اشکالی دارد بگوئیم: وقتی که مولا می‌خواهد، هم تکلیف وجوبی و هم تحریمی را به اعتبار دو عنوان بیاورد، باید ملاحظه کند که، ترکیب بین اینها ترکیب انضمامی باشد. یعنی بداند بعداً که اینها می‌خواهند در عالم خارج موجود شوند، ترکیبشان، ترکیب انضمامی است.

اگر مولا می‌داند قبل از تحقق در عالم خارج، که اگر این دو عنوان بخواهد در عالم خارج موجود شوند، به نحو ترکیب اتحادی موجود می‌شود، خود تکلیف محال است و مرحوم نائینی(ره) هم همین را بیان می‌کند. ایشان توجه دارد به اینکه، جای ترکیب انضمامی و اتحادی خارج است و نمی‌خواهند بفرمایند، حالا صبر کنید در عالم خارج، اگر ترکیب اتحادی شد، بگوئیم: اینجا اجتماع امر و نهی ممتنع است و اگر ترکیب انضمامی شد، بگوئیم: اجتماع امر و نهی جایز است.

بلکه اینطوری که می‌فهمیم، مقصود ایشان این است که، همانطوری که اصل متعلق را مولا باید در نظر گیرد، همچنین باید کیفیت تحقق این متعلق در عالم خارج را هم در نظر گیرد، که آیا این متعلق به همراه متعلق دیگر به عنوان ترکیب انضمامی یا به عنوان ترکیب اتحادی در عالم خارج محقق می‌شود. لذا به ذهن می‌رسد که این مناقشه‌ی امام(ره)، مناقشه‌ای است که قابل خدشه است.

شرط اول و دوم مرحوم نائینی (ره) برای نسبت عامّین من وجه

از اینجا می‌آییم سراغ آن خصوصیت اولی که، مرحوم نائینی (ره) فرموده‌اند که، نسبت عامّین من وجه در جایی باید مطرح باشد که، بین المتعلّقین است مثل «صلّ و لا تغسل»، اما اگر بین المتعلّقین این نسبت نبود، بلکه نسبت بین موضوعین بود، این هم از محل نزاع خارج است.

مثال زده‌اند به «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، که متعلق هر دویشان اکرام است و بین الموضوعین، یک موضوعش عالم است و یک موضوعش فاسق، نسبت بین عالم و فاسق، نسبت عام و خاص من وجه است. مرحوم نائینی (ره) فرموده‌اند: این از محل نزاع خارج است.

در عبارت مرحوم نائینی (ره) که دیروز بیان کردیم، چند نکته وجود داشت؛ یکی این بود که، در اینجا امر به چیزی تعلّق پیدا کرده که، نهی هم به همان چیز تعلّق پیدا کرده یا بالعکس. یعنی امر به اکرام و نهی هم به اکرام تعلّق پیدا کرده و شیء واحد نمی‌شود هم واجب باشد و هم حرام!

بیان دوم ایشان این بود که در چنین مواردی، ترکیب، ترکیب اتحادی است، یعنی ترکیب عالم فاسق، ترکیب اتحادی در عالم خارج است و گفتیم: جایی که ترکیب، ترکیب اتحادی باشد، از محل نزاع خارج است.

اگر مقصود ایشان این باشد که، در این مثال «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، ترکیب، ترکیب اتحادی است، همان اشکالی که امام (ره) در اینجا مطرح فرموده‌اند و همان مناقشه‌ای هم که داشتیم، در اینجا مطرح می‌شود و حرفی نیست. یعنی اگر این مثال را بخواهیم از راه ترکیب اتحادی درست کنیم و بگوییم: از محل نزاع خارج است، این حرف درستی است.

راه دیگری برای خروج مثال «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق» از محل نزاع و بررسی آن

اما راه دیگری برای اینکه این مثال را از محل نزاع خارج کنیم، وجود دارد و آن این است که، مرحوم آخوند (ره) قبلاً فرموده‌اند که: محل نزاع در اجتماع امر و نهی جایی است که، در شیء واحد، ملاک هر دو موجود باشد، هم ملاک وجوب و هم ملاک برای تحریم باشد.

در «اکرم العالم و لا تکرّم الفاسق»، اگر در عالم فاسق گفتیم: ملاک هر دو موجود است، یعنی عالم فاسق، هم ملاک وجوبی دارد و هم ملاک تحریمی، این هم داخل در محل نزاع می‌شود. یعنی بین این مثال و بین «صلّ و لا تغسل» فرقی وجود ندارد.

اما اگر گفتیم: در ماده‌ی اجتماع، یکی از اینها ملاک دارد و هر دویشان ملاک ندارد، یا ملاک وجوبی است یا ملاک تحریمی، اینجا وارد بحث تعارض می‌شود. همان طوری که غالب علما هم می‌گویند، در ماده‌ی اجتماع با هم تعارض می‌کنند. پس بهتر این است که از راه مسئله‌ی ملاکات وارد شویم.

اللهم إلا أن يقال که مرحوم نائینی (ره) در این بحث با مرحوم آخوند (ره) مخالفت کرد که، حتی کسانی که احکام را تابع ملاکات، مصالح و مفاسد نمی‌دانند هم، داخل در این نزاع هستند. یعنی نائینی (ره) با این معنا که بگوییم: در باب اجتماع امر و نهی، ملاک هر دو وجود دارد. هر جا ملاک هر دو وجود داشت، بگوییم: باب اجتماع امر و نهی است و اگر ملاک یکی بود بگوییم: باب تعارض است، با اصل این کبری مخالفت کرد. اما آنجا عرض کردیم که این معنا درست است و ما راهی غیر از مسئله‌ی ملاک نداریم.

شرط سوم محقق نائینی(ره) برای نسبت عامین من وجه

خصوصیت سومی که نائینی(ره) بیان فرموده این است که: این دو عنوانی که، بینشان نسبت عامین من وجه است، از عناوین تولیدیه نباشد، چرا که عناوین تولیدیه، عناوینی است که، ولو به حسب ظاهر تکلیف به آنها تعلق پیدا کرده، اما واقعاً تکلیف به اسباب تعلق دارد. وقتی مولا میگوید: این شخص را تعظیم کن، تعظیم یک عنوان تولیدی است، این عنوان از قیام کردن متولد می شود، قیام سبب برای تعظیم می شود.

نائینی(ره) فرموده است که، چون عناوین تولیدیه، خودشان بلا واسطه متعلق برای قدرت نیستند و آنچه مقدور برای مکلف هست، ایجاد سبب است، هر جا و در هر تکلیفی دیدیم که، تکلیف به عنوان تولیدی تعلق پیدا کرده، باید توجیه کنیم و بگوییم: این تکلیف در حقیقت به سبب تعلق دارد.

لذا ایشان فرموده اند: در جایی که دو عنوان تولیدی است، باید سراغ سبب برویم؛ اگر دیدیم سبب، «سبب واحد حقیقه و هویتاً»، اگر یک سبب واحدی است که، ماهیت و واقعیتش یک چیز است، اینجا دیگر از محل نزاع اجتماع امر و نهي خارج می شود.

نقد و بررسی مرحوم امام(ره) در این شرط سوم

امام(رضوان الله علیه) در مناقشه‌ی بر این فرمایش، فرموده اند:

اولاً این را قبول نداریم که در جایی که، تکلیف به یک عنوان تولیدی تعلق پیدا کرده، باید توجیهش کنیم که، در حقیقت این تکلیف به سبب تعلق دارد. ما اصلاً این مبنا را قبول نداریم، تکلیف به خود عناوین تولیدیه هم تعلق پیدا می کند، چون آنها مقدور با واسطه هستند و اشکالی هم ندارد.

بعد فرموده اند که: در اینجا بین عنوان تولیدی و غیر تولیدی فرق وجود ندارد. اگر دو عنوان مختلف باشند، که عرفاً یکی متعلق امر و دیگری متعلق نهي باشد، ولو اینکه این دو عنوان، دو عنوان تولیدی هم باشند، به نظر ما داخل در محل نزاع است. یعنی ایشان فرموده اند: عنوان تولیدی بودن، دخالتی ندارد، آنچه هست این است که، دو عنوان باشد، این دو عنوان، خواه تولیدی یا غیر تولیدی، دو عنوان باشد که، یکی متعلق امر و دیگری متعلق نهي باشد.

دفاع استاد محترم از محقق نائینی(ره)

لکن وقتی به کلام مرحوم نائینی(ره) در کتاب فوائد الاصول مراجعه می کنیم، ایشان آمده یک کبرایی ارائه داده و آن این است که فرموده: اجتماع امر و نهي و این نزاع، در جایی است که، تعدد عنوان موجب تعدد معنوی شود و عناوین تولیدیه، موجب تعدد معنوی نمی شود. ممکن است از یک سبب 20 عنوان تولیدی را انتزاع کنیم، اما عناوین تولیدیه موجب تعدد معنوی نمی شود.

اگر در ذهن شریفتان باشد، ایشان قیاس و تشبیه کرده، فرموده اند: مثل این است که می گوییم: «زید» عنوان فاسق و عنوان عالم دارد، صد عنوان هم که داشته باشد، اما این زید، متعدد نمی شود، خود زید را متعدد نمی کند. این عناوین قائم به زید است، اما موجب تكثر در ذات زید نمی شود و وحدت محفوظ است.

این را باید به امام(ره) عرض کنیم که: این کبری در نظر شریف شما چیست؟ اینکه مرحوم نائینی(ره) فرموده اند: عناوین تولیدیه، موجب تعدد معنوی نمی شود، چون عناوین تولیدیه، یک عناوین استقلالی نیستند، بلکه عناوین متولده هستند، استقلالی در آنها وجود ندارد، لذا اینها موجب تعدد معنوی نمی شود، در نظر شما چگونه است؟

مناقشه استاد محترم در کلام محقق نائینی(ره)

بنابراین باید این قسمت فرمایش مرحوم نائینی(ره) را جواب داد و جوابش این است که: این کبری، کبری درستی نیست. اینکه بگوییم: عناوین تولیدیه موجب تعدّد معنون نمی‌شود، چرا؟ مرحوم نائینی(ره) برهانی برایش اقامه نکرده، فقط ادعا و تشبیه کرده و با ادعا و تشبیه، این اثبات نمی‌شود. چرا اگر عنوانی، عنوان تولیدی شد، این موضوع تعدّد معنون نمی‌شود، وجه و دلیلی برای این کبری نداریم. بلکه چه بسا دلیل بر خلافتش هم داشته باشیم.

لذا دیروز عرض کردیم، بعد از این بیان در کتاب فوائد الاصول، یک «فتاَمَل» دارند که در حاشیه نوشته شده نائینی(ره)، بعضی از موارد عناوین تولیدیه را از موارد اجتماع امر و نهی می‌داند که در مباحث آتیه بیان می‌شود. پس ایشان برای این کبری، دلیلی اقامه نکرده و چه بسا دلیل بر خلافتش هم وجود دارد.

خلاصه این شد که، هیچ یک از این سه خصوصیت را امام(ره) نپذیرفته‌اند. ما هم خصوصیت اول و سوم را نپذیرفتیم، و خصوصیت دوم را هم، از راه دیگر و نه از راه ترکیب اتحادی و انضمامی، مسئله‌اش را مطرح کردیم. تا اینجا مقدمات بحث اجتماع امر و نهی، با این طول و تفصیلی که داشت، تمام شد. روز شنبه انشاءالله دلیل مرحوم آخوند(ره) بر امتناع اجتماع امر و نهی را بیان می‌کنیم.

و صلّی الله علی محمد و آلّه الطاهرين